

در حال حاضر چه تغییراتی صورت گرفته است؟

در حال حاضر گروه نویسندگی و پشت صحنه تغییر بزرگی کرده است. گروه نویسندگان تعدادشان خیلی زیاد شده و یک سری جوان بسیار مستعد هستند که هر روز تلاش می کنند. از صبح می آیند و تا ساعت ده، یازده شب حضور دارند و ایده های بسیاری می دهند. من به شما قول می دهم که قسمت های جدید از خوبی حتی تعجب آور شوند. من هفده سال برای رسیدن به این لحظه تلاش کرده ام؛ حالا نه اینکه لحظه ی عجیب و غریبی باشد اما هفده سال صبر و تلاش کردم تا وقتش برسد. نه جای کسی را گرفتم، نه لایه کشیدم و نه زیر آب کسی را زدم. سعی کردم آرام آرام پله ها را پشت سر بگذارم و با اخلاق وارد این کار شدم و تا زمانی که کار کنم حتما این را رعایت می کنم. در تئاتر جایزه های بسیاری گرفته ام و تا به حال کسی بازی بدی از من ندیده است این است که یک دفعه با خودم می گویم چرا نشد؟ من که فیلمنامه را خوانده بودم و خوب بود. اگر بخوایم در کمدی چهار نفر را نام ببری قطعا یکی از آن ها رامید جوان است. سریال ساخته، سینمایی موفق داشته و خودش بازیگر موفقی بوده است. فروش صحت، پیمان قاسمخانی، رضا عطاران و رامید جوان اگر در کمدی به من پیشنهاد بدهند می روم. یعنی اگر بخوایم چهار نفر را انتخاب کنم همین ها هستند. فکر می کنید که این بازیگرها و این کست به خاطر پول آمده اند تا کار کنند؟ من به شما می گویم که اکثر بازیگران با کمتر از دستمزد خودشان نسبت به جاهای دیگر و با کمال میل سر این کار آمدند. شایعانی وجود دارد و می گویند که سفرهای پهن است، خیر اینطور نیست و سفرهای پهن نیست. من چیزهای عجیب و غریبی می شنوم که این مسائل بیشتر اذیتم می کند چون واقعا کارم را دوست دارم و سعی می کنم کارم را درست انجام دهم. خیلی به دنبال حاشیه نیستم و تک تک بازیگران هم همینطور هستند اما تصورات غلطی که از دور می شود درست نیست. به هر حال این تصمیم را گرفتیم و فکر می کنم الان در یک نقطه ای ایستاده ایم که کاراکترها غلوشان کمتر شده و از طرفی به موقعیت های رئالیستی نزدیک تر می شویم. راجع به سیتکام بسیار تحقیق کرده ایم و گروه نویسندگان دو، سه کتاب ترجمه نشده را ترجمه کرده اند و کار تحقیقاتی انجام می دهند. در نتیجه به نظر من دیگر اگر نشود، کلاشدنی است! یعنی اینطور که در حال حاضر رامید جوان و گروه نویسندگان تلاش می کنند اگر نشود، به نظر من جور دیگری نمی شود. هر چیزی را که فکر کنید مفید باشد برای اینکه تغییری در کارمان ایجاد کند استفاده کرده ایم و بچه ها شبانه روزی تلاش می کنند تا این اتفاق بیفتد و امیدوارم که بیفتد.

طنز موقعیت و سیتکامی که در شش قسمت ابتدایی دیدیم به شکل اغراق آمیز و گاه گل درشت اتفاق می افتاد و مثل اینکه خیلی باب طبع مخاطب نبود. چقدر سلیقه ی شما بود؟ آیا به عنوان کسی که بازیگر این کار است صرفا بازی کردید یا اینکه این سبک از طنز مورد پسند شما هم هست؟

درواقع همان مساله ی آزمون و خطاست. الان که می بینم شاید سلیقه ی خودم این نوع کمدی نباشد. منظورم همان شش قسمت ابتدایی است، نه قسمت های جدید. شاید سلیقه ی خود من اینجور کمدی نباشد اما به هر حال این کار یک رویکردی دارد، کارگردان و نویسنده دارد و تر جیحشان در آن لحظه این است که این کار انجام شود..

در مجموعه ی «مردم معمولی» هم همین تلاش ها شده منتها این مساله ی آزمون و خطا کردن، انجام یک کار جدید و کمدی جدید دخیل بوده است. برای مثال می خواستیم یک مقدار شبیه به کمدی های کلاسیک خودمان که حرکات بدن خیلی در آن ها دیده می شد یا حتی سینمای صامت برگردیم. چیزهایی در ذهن رامید جوان بود که دوست داشت آن را انجام دهد که متاسفانه نشده است. در حال حاضر به یک توازنی رسیده ایم اما بدانید که کمدی بسیار سخت است و در آوردن لحظات کمدی بسیار سخت تر از در آوردن لحظات تراژیک و جدی است. دلیلش هم این است که کمدی یک زمان بندی دارد که همه چیز را در بر می گیرد؛ از بازی بازیگر گرفته تا نوشته، دکوپاژ و اینکه کپی به کجا کات بزنیم و من در چند ثانیه این دیالوگ را بگویم. باور کنید این موارد شاید آنقدر در تراژدی دقیق نباشد. شما در هر صورت از کشتن قهرمان فیلم ناراحت می شوید، حالا دور بین هر جا باشد و یا اینکه دیالوگ بگوید یا نگوید. وقتی قهرمان داستان را از دست می دهی همه ناراحت می شوند و این را با هر نمایی که بگیری تراژدی بزرگی است اما کمدی اینطور نیست. در کمدی اگر همین الان این دیالوگ را نگوئی دیگر بهتر است که آن را نگوئی زیرا دیگر خنده دار نیست. اگر قرار است من الان بیفتم، یک ثانیه دیرتر و یا زودتر افتادن دیگر خنده دار نیست و یا واکنش ها اگر یک ثانیه دیر پخش شود دیگر خنده دار نیست. درواقع هزار و یک فرمول دارد.



وجه خوب این ماجرا چیست؟

وجه خوب این ماجرا این است که ما اینگونه داریم از مخاطب طلب پوزش می خواهیم و تلاش مان این بوده تا محتوایی شایسته را در اختیارش بگذاریم. ما متوجه شده ایم که قسمت های اولیه از لحاظ محتوایی یا فرمی با سلیقه مخاطب هم خوانی نداشته، البته قسمت هایی را ضبط کرده بودیم و تازه داشتیم جا می افتادیم اما سریال باید پخش می شد و نمی توانست بیش از این عقب بیفتد. در خیلی از سریال های تلویزیونی طنز هم این یک روش رایج است که با تماشا ی بازتاب ها تغییراتی ایجاد می کنند و و این اتفاق برای خیلی از سریال های طنز تلویزیونی موفق هم رخ داده است. ما با فضای جدیدی روبه رو بودیم و می خواستیم یک کار جدید انجام دهیم. منظورم از می خواستیم، این نیست که توانستیم. می خواستیم این کار را انجام دهیم و پیش تولید، فیلمنامه و دکوپاژ این را به ما می گفت اما نشد و رامید جوان هم می دانست که احتمال دارد نشود. به همین خاطر این فرصت را می خواست که برای مثال بیست قسمت بسازد و بعد ده قسمت را از بینش انتخاب و شروع به پخش کند. این یک فرم جدید سریال سازی بود که به هر حال منجر به تصمیم جدید گروه سازندگان شد. اما از اینجا به بعد تلاش می کنیم تا بهتر پیش برویم و فضای خوبی را برای کار ایجاد کنیم. امیدواریم خدا هم کمک کند تا این اتفاق بیفتد.



واقعیت این است که من در حال حاضر تازه کار هستم و خیلی خسته نمی شوم! من الان از آن آدم هایی هستم که شاید گروه کارگردانی، پشت صحنه و بازیگرها از دستم عصبانی شوند. از این جهت که وقتی آف می گویند من آن کسی هستم که ناراحت می گویم که بگیریم تا تمام شود. هنوز یک روحیه ی گروهی و تئاتری دارم که اتفاقا دوستش چا پلوسی نیست